

بقلم : آقای مرتضی مدرسی چهاردهی

## سیر حکمت و عرفان در ایران باستان

-۴-

حبیب الله نوبخت از دانشمندان معاصر است ، سال ها در کربلا تحصیلات خود را در علوم معقول و منقول تکمیل نمود ، از شاگردان شیخ عبدالرحمن کویتی است که از ادیبان بنام عرب بود .

نوبخت روزنامه ادبی ، سیاسی بهارستان را در شیراز ، تهران منتشر مینمود ، در حدود بیست جلد کتاب در رشته های علمی و ادبی تألیف نمود که چند جلد آن به چاپ رسید ، کتاب تفسیر قرآن بنام دیوان دین از شاهکارهای علمی اوست که در تهران چاپ شد سخنی در باره علوم خفیه و ایران باستان دارد بی مناسبت نیست در اینجا نقل شود تا گفتار مورخان و مستشرقان در سیر حکمت و عرفان مغان روشن تر گردد .

در باب سحر مورخین و دانشمندانی که در انتروبولوژی و علم باحوال ملل و نحل فرزانه بوده اند در باره سحر مقولاتی بسیار آورده اند و آنچه در باب سحر و ساحری آورده اند بیشتر از یهود و طوائف سامی است و در مقابل ایشان مستشرقین یهودی سعی کافی بکار برده اند که جادوئی را توسعه داده و مغان ایران و فلاسفه قدیم ایرانی را نیز از این مقولت برخوردار بشمارند و منشاء آن را نیز از نژاد دو رگه بابلی و آسوری معرفی کنند اما مهمترین دلیلی که من میتوانم اقامت کنم و منشاء سحر و پیدایش آن را از یهود بدانم کلمه « جادو » است که ایرانیان وضع کرده اند زیرا این کلمه بمعنای « جودی » است یعنی یهودی گری و اصل کلمه

جادوی و گونه اصلی آن « جودو » است که مرکب است از جود یعنی یهودی و از « واو » نسبت که در فارسی بجای یاء نسبت نیز بکار رفته است . چنانچه فارسیان یعنی مردمی که در استان فارس نشیمن دارند غالباً «واو» نسبت را در سخن خود بکار می برند چنانچه گویند « مردو » یعنی آن مرد معهودو منسوب بحکایتی کز او نقل میشود و « کتا بو » یعنی کتابی که منسوب است بمطلبی معهود ، و کلمات سیبوی و مشکوی و دادوی و زادوی و مردوی و نفتوی که نام گروهی از معاریف اند و عرب بگونه سیبویه و مسکویه و دادویه و زادویه و مردویه و نفتویه « یعنی با فتح واو » معرب کرده است هم از این قبیل اند (۱) .

جادو یعنی جودی و یهودی که منسوب است بجود و یهود و جادوگر یعنی جودی کار و بمفهوم کاری که یهودان کنند ، و این کلمه بر ما معلوم میدارد که پیشه جادویی و سحر نخست از یهودان پدید آمده است یا ایرانیان برای نخستین بار این عمل را از یهودان دیده اند .

ولی در کتاب طبیعت و علم باحوال ملل تألیف دکتر پلوس و دکتر بارتلز جلد دوم با آنکه کلمه جادوگر را با این هجا در مبحث سحر بکار برده است مسیر جادویی را از شمال بجنوب میداند و پیش از آنکه ملت خودشان یعنی یهود را با این عمل موصوف بدارد مدی ها و رومی ها و یونانی ها و مصریها و آشوریها و ناسیون های کلدونی را با این عمل متصف داشته است .

البته جادویی در کشورهای فراغنه و شارسناهای مزو بوتامی و بابلی رواجی

۱ - بعضی از محققین زبان عرب این تعریب را درست ندانسته اند و بگونه فارسی آن تلفظ کرده اند چنانکه سیوطی در المزهر بگفته یاقوت حموی در لغت نفطویه : ابن بسام نفطویه را بضم طاوسکون و او وفتح « یا » خوانده است و تلفظ صحیح همین است کز ابن بسام روایت شده است .

و رونقی داشته است ولی حد متیقن این است که آنها نیز از اقوام هر جائی یهود آموخته‌اند و حنی در قرون اخیر و هم در قرن ما این کارها به یهود اختصاص دارد و آنها که در طلسمات و نیرنجات « نیرنگ‌ها » و علم منتر و مندل و هیمیا بمطالعه پرداخته وقت خود را مصروف داشته‌اند میدانند که ستاره شش پر که از قدیم علامت یهود بوده است در غالب طلسم‌ها منقوش است .

چه طلسم‌هایی که در کتب فارسی از قبیل سرالمکتوم رازی و علم سحر نقائس الفنون آملی و شمس‌الشموس و کتاب اسرار قاسمی و کتاب طلسمات یاد شده است یا طلسم‌هایی که با عبری و لاتین و آلمانی بر روی صفحات فلزی منقوش گردیده و صور آنها در موزه های اروپا هم چنان محفوظ است و مخصوصاً در تابلو مطبخ جادویان در صفحه کتابی که بدست پیره زن جادو است مشهود است و آن کتاب بر روی جمجمه نهاده است که دشنه در پیمشانی او فرو برده‌اند و نمونه که در موزه وینه محفوظ است و هم چنان در آثاری کز یهودان شمال آلمان بجا مانده است این « ستاره » منقوش است .

و گاهی هم همین نقش را در کتب ادعیه عربی داخل کرده و با اسم اعظم معروف ساخته‌اند و در تمام قرون اسلامی نیز سحر و منتر کار یهودان بوده است و بهمین جهت خلفای عباسی امر کرده بودند که هر محله و هر خانه که یهودی نشین است دیوارش را با صور اجنه و شیاطین رنگین و منقوش کنند (۱) و مایه کمال تأسف است که ثعالبی در شاهنامه خود جادوئی را بزردشت پیغمبر ایرانی نسبت داده است و معلوم است که گذشته از چهل مؤلف دست یهود نیز درین قبیل نشریات بکار رفته است .

زیرا همین کتاب نیز زردشت را شاگرد برمیای پیغمبر یهودی شمرده است

و از ثعالبی و امثال او این حماقت‌ها نه بعید است زیرا این گروه باحوال ایران قدیم و ایران متوسط و حتی عصر خودشان جاهل بوده‌اند و هم بعضا با اغراض آلوده و خونشان نیز ناپاک بوده است .

و اگر شما بمنشآت بدیع الزمان همدانی و صاحب بن عباد طالقانی و خواجه حسن میمندی و خواجه نظام الملک جوزقانی و امثال این گروه بنگرید سر انحطاط ایرانی را در قرون اخیر خواهید دانستن و من معتقدم کسانی که تاریخ ایران را بسود دیگران نوشته‌اند و هنوز هم می‌نویسند هرگز در خور بخشیدن نیستند !!

تا اینجا نوشته حبیب‌الله نوبخت بود چون دیانت پاک اسلامی علوم خفیه را مانند جادوگری - رمالی - جن‌گیری استحضار ارواح حرام میدانند مغان ایرانی مردم را با آراء و عقاید خود آشفته و نگران کرده بودند ناچار روشن فکران ایران از جان و دل اسلام را قبول کردند و ناچار مغان پارتی ترك کشور خود را گفته و بدیار هند شتافتند .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رحم کردن بر بدان ستم است به نیکان و عفو کردن از ظالمان  
جور است بر مظلومان فرد :

خبیث را چو تعهد کنی و بنوازی

بدولت تو نگه میکند بانبازی

(سعدی)